

مغازہ جادویی

جیمز رابرٹ داتی

مترجم

علیرضا جگینی

www.ketab.ir

مغازه جادویی



- نویسنده: جیمز رابرت داتی
- مترجمان: علیرضا چگینی
- نشر: پرثوآ
- ناشر همکار: انتشارات راز معاصر
- ویراستار و صفحه‌آرا: فریبا بادامی
- طراح جلد: آتلیه راونیز
- مشاور طرح: پخش راونیز
- لیتوگرافی و چاپ: بارنگ
- صحافی: راونیز
- نوبت چاپ: اول ۱۴۰۲
- شابک: ۶-۶۹-۶۷۷۱-۶۲۲-۹۷۸
- تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه راونیز می‌باشد.

سرشناسه	:	داتی، جیمز رابرت، ۱۹۵۵ م (James Robert Doty)
عنوان و نام پدیدآور	:	مغازه جادویی / نویسنده جیمز رابرت داتی؛ مترجم علیرضا چگینی
مشخصات نشر	:	مشهد: نشر پرثوآ، ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری	:	۲۲۴ ص.
شابک	:	۶-۶۹-۶۷۷۱-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیا
یادداشت	:	عنوان اصلی:
موضوع	:	Into the magic shop : a neurosurgeon's quest to discover the mysteries of the brain and the secrets of the hear, c2016
موضوع	:	داتی، جیمز رابرت، ۱۹۵۵ - م.
موضوع	:	Doty, James R. (James Robert), 1955
موضوع	:	جراحان مغز و اعصاب — ایالات متحده — سرگذشتنامه
موضوع	:	Neurosurgeons -- United States -- Biography
موضوع	:	شفقت Compassion
موضوع	:	نوع‌دوستی Altruism
شناسه افزوده	:	جسم و جان Mind and body
شناسه افزوده	:	چگینی‌زاد، علیرضا- مترجم
رده‌بندی کنگره	:	RD۵۲۹/۹
رده‌بندی دیویی	:	۶۱۷/۴۸۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۹۲۴۱۱۳۳

فهرست مطالب

صفحه عنوان

..... ۵ مقدمه: چیزهای زیبا

بخش یکم: ورود به فروشگاه جادویی

..... ۱۵ یک: جادوی حقیقی

..... ۲۷ دو: بدن در حالت استراحت

..... ۵۳ سه: تفکر درباره فکر کردن

..... ۷۱ چهار: دردهای رو به افزایش

..... ۹۱ پنج: سه آرزو

بخش دوم: اسرار مغز

..... ۱۱۱ شش: خودت درخواست بده

..... ۱۲۷ هفت: غیرقابل قبول

..... ۱۴۷ هشت: این جراحی مغز نیست

..... ۱۶۹ نه: سلطان هیچ

مقدمه: چیزهای زیبا

در زمان جدا شدن پوست سر از جمجمه، صدای خاصی به گوش می‌رسد. دقیقاً مانند جدا کردن یک تکه بزرگ و لکرو از منبع خودش؛ صدایی بلند، خشن و تا حدودی منزجرکننده است. در دانشکده‌های پزشکی کلاسی وجود ندارد که قابلیت آموزش صداها و بوی جراحی مغز را به شما بیاموزد، درحالی‌که نبود چنین کلاسی در دانشکده‌ها کاملاً احساس می‌شود و بهتر است که چنین کلاس‌هایی دایر شوند. آموزش سروصدای مته سنگین وقتی که استخوان را سوراخ می‌کند و سوراخ‌هایی را که مته ایجاد کرده، در یک خط مستقیم برش می‌دهد و فضای اتاق عمل پر از بوی خاک اره می‌شود.

صدای ناخواسته‌ای که جمجمه هنگام برداشته شدن از سخت‌شامه ایجاد می‌کند و صدای قیچی که به آرامی عبور می‌کند.

هنگامی که مغز در معرض دید همگان قرار می‌گیرد؛ به وضوح می‌توان دید که با هر ضربان قلب، گویی با آهنگی حرکت می‌کند و طوری به نظر می‌رسد که صدای ناله‌اش در اعتراض به برهنگی و آسیب‌پذیری‌اش و اینکه رازهای آن در زیر نورهای خشن اتاق عمل نمایان شده، بلند شده است.

پسرک در لباس بیمارستان کوچک‌تر از اندازه واقعی خود به چشم می‌خورد و درحالی‌که در انتظار است تا وارد اتاق عمل جراحی شود، تقریباً در تخت فرو رفته است.